



دانشگاه قم
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق

عنوان :

بررسی تطبیقی احکام خمس و زکات با قوانین مالیاتی ایران

استاد راهنما :

دکتر سید علی اصغر موسوی رکنی

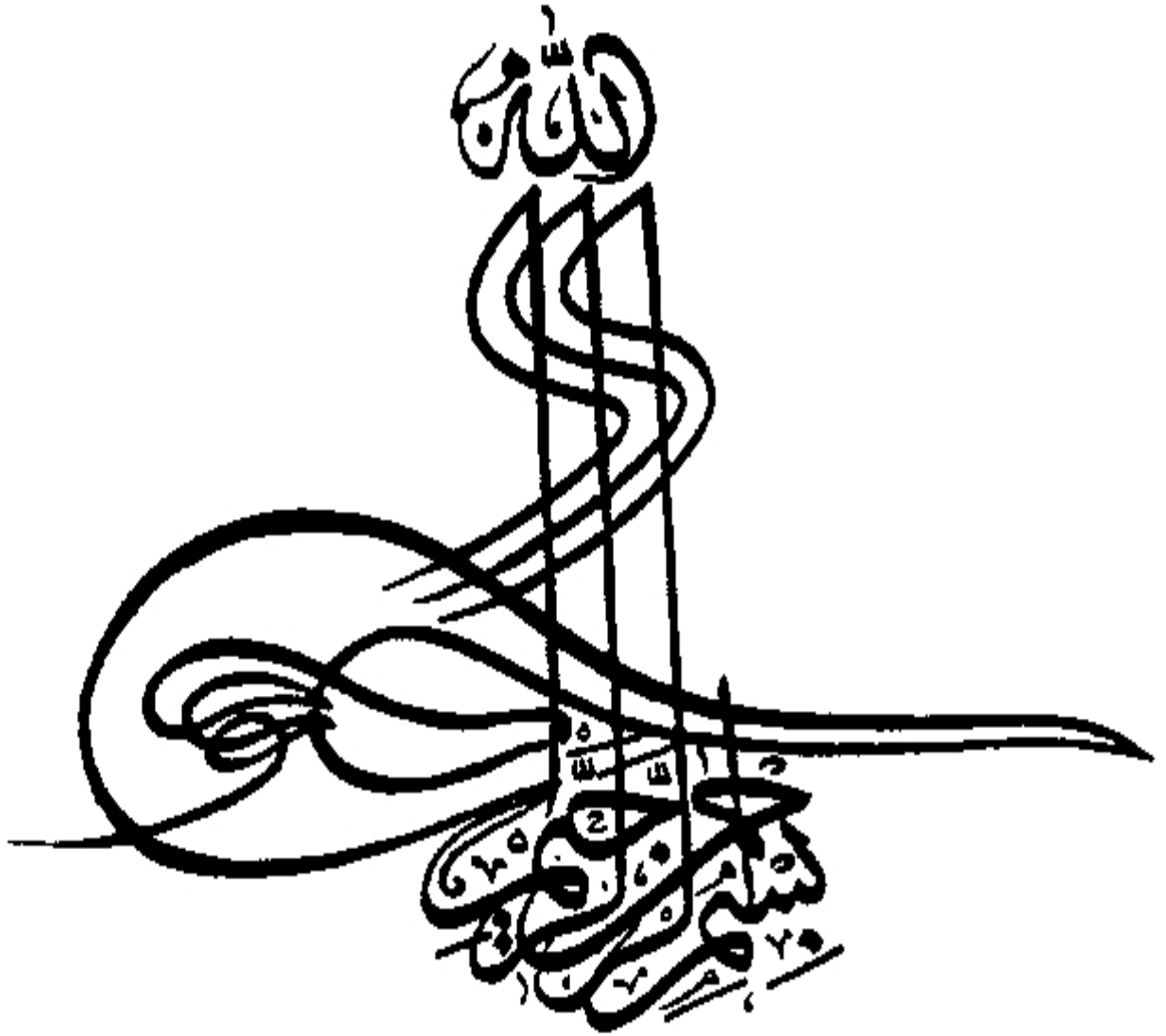
استاد مشاور :

دکتر عبدالله امیدی فرد

نگارنده :

حمید رضا عبیری

زمستان ۱۳۸۹



تقدیم به :

همسرم

بخاطر تحمل سختی ها و همراهیش !

تشکر و قدر دانی :

سپاس و ستایش بر ایزد یکتا و دانای بی همتا و درود و ثنا بر پیامبر خاتم و خاندان پاک و پاکیزه اش ، برترین معلمان !

و درود و سپاس بر اساتید گرانقدری که قطره ای از زلال علم و معرفت الهی را نثار جانهای تشنه می کنند !

درود و تشکر فراوان نثار اساتید معزز جناب حجت الاسلام دکتر موسوی رکنی که زحمت راهنمایی این پایان نامه را متقبل شدند و جناب حجت الاسلام دکتر امیدي فرد که از مشاوره دریغ نفرمودند .

تشکر و سپاس از سازمان محترم امور مالیاتی کشور و ریاست کل محترم سازمان ، جناب آقای دکتر عسگری و اداره کل محترم امور مالیاتی خراسان رضوی خصوصاً جناب آقای بنی صفار مدیر کل محترم امور مالیاتی خراسان رضوی که با مساعدت و یاری خود سهم بسزایی در تهیه این تحقیق داشتند .

چکیده

احکام فقهی اسلام، تکالیفی بر عهده مکلفین بر مبنای درآمد حاصله، قرار داده است، از مهمترین آنها خمس و زکات می باشد و هرچند در سایر تکالیف، بلوغ و عقل در شخص مکلف شرط شده است اما در خمس و زکات ملاک تعلق تکلیف کسب درآمد می باشد و بسته به نوع درآمد به اقسام مختلفی از قبیل منفعت کسب، معدن، گنج، حیازت مباحات، کاشت غلات اربعه، پرورش اغنام ثلاثه و کسب نقدین تقسیم شده است. پرداخت کننده یا مودی در قوانین مالیاتی نیز اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که در داخل مرزهای جغرافیایی ایران دارایی داشته و یا کسب درآمد نمایند و یا اینکه نتیجه اقدامات مالی آنها در ارتباط با ایران باشد. دارایی اشخاص پس از فوت مشمول مالیات بر ارث می گردد و درآمد اشخاص نیز بسته به نوع آن به درآمد املاک، کشاورزی، حقوق، مشاغل، اتفاقی و بسته به شخص تحصیل کننده آن به درآمد شخص حقیقی و درآمد شخص حقوقی تقسیم می شود. قانونگذار در قانون مالیاتهای مستقیم که منبع اصلی حقوق مالیاتی است، شرایط و قوانینی که هر کدام از انواع درآمد مشمول مالیات می گردد را بیان داشته است. تطبیق احکام فقهی خمس و زکات با مواد قانون مالیات های مستقیم می تواند از یک طرف وجهه ی قوانین مالیاتی را ارتقاء دهد و از طرف دیگر با به روز و مدون کردن احکام فقهی زمینه اجرای هرچه بیشتر و بهتر آن را با توجه به شرایط زمان و مکان فراهم کند. در این رساله تلاش شده است تا در حد توان این تطبیق با تشریح احکام فقهی خمس و زکات و مقایسه آنها با قوانین مالیاتی ایران در قالب سه فصل انجام پذیرد.

کلمات کلیدی: خمس، زکات، مالیات

فهرست مطالب

۱	فصل اول - کلیات
۲	مقدمه
۳	۱- سوالات تحقیق
۳	۲- ابعاد مسئله
۴	۳- فرضیه ها
۴	۴- لغات و اصطلاحات
۴	۴-۱- زکات
۵	۴-۲- خمس
۶	۴-۳- مالیات
۶	۵- پیشینه تحقیق
۷	۶- محدودیت ها و مشکلات
۸	فصل دوم - منابع مالی
۹	۱- منابع مالی غیر اکتسابی
۹	۱-۱- ارث
۱۴	۱-۲- وقف، حبس و وصیت
۱۹	۱-۳- معاملات محاباتی و غیر معوض و بخشش
۲۳	۲- منابع مالی اکتسابی
۲۳	۲-۱- املاک
۳۱	۲-۲- کشاورزی
۳۲	۲-۳- حقوق
۳۴	۲-۴- مشاغل
۴۴	۲-۵- اشخاص حقوقی
۴۵	فصل سوم - مقررات عمومی
۴۶	۱- پرداخت کنندگان

۵۴.....	۲- نصاب ها و ضرایب
۶۰.....	۳- معافیت ها و هزینه های قابل قبول
۸۰.....	۴- سال مالی
۸۳.....	۵- تقدم پرداخت بر سایر دیون
۸۶.....	۶- مسئولیت تضامنی
۹۵.....	۷- پرداخت قبل از وقت
۹۶.....	۸- تلف مال پرداخت کننده
۹۹.....	۹- وظایف اشخاص ثالث
۱۰۱.....	۱۰- تشویقات و جرایم
۱۰۳.....	۱۱- سازمان تشخیص و وصول
۱۱۱.....	نتیجه



- عملیات



مقدمه

همزمان با پیدایش تمدن‌ها، تامین منابع مالی حکومت‌ها جزء اولین نیازهای اجتماعی بشر بوده است و می‌توان عمر اخذ مالیات را با عمر اولین حکومت‌ها برابر دانست. رفته رفته با گسترش و پیشرفت جوامع و تشکیل تمدن‌هایی با اهداف جدید، اهداف دریافت مالیات از تامین مالی حکومت فراتر رفت و تامین نیازهای عامه‌ی افراد جامعه خصوصاً اقشار کم درآمد را نیز فرا گرفت.

با ظهور دین مبین اسلام و تشریح مبانی آن توسط پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و تأسیس تمدن بزرگ اسلامی که بر پایه‌های پنج‌گانه توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد و به منظور تکامل معنوی و اخلاقی انسان بنا شد، نهادهای خمس و زکات که جزء مهمترین منابع مالی حکومت اسلامی بودند به تدریج و با توجه به نیاز جامعه تشریح شد.

پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، مالیات به عنوان یکی از منابع مهم مالی حکومت در نظر گرفته شد اما علیرغم تاکید قانون اساسی برآمده از رای مردم بر اجرای احکام اسلامی، خمس و زکات جایگاهی در تامین منابع مالی حکومت کسب نکردند، با این وجود نه تنها منعی در تطبیق احکام اسلامی خمس و زکات با قوانین مالیاتی وجود ندارد بلکه در صورت وقوع این اتفاق، گامی مؤثر در نیل به اهداف قانون اساسی و احکام اسلامی که همانا ایجاد مدینه فاضله و رسانیدن انسان به کمال است، برداشته می‌شود.

در این خصوص علیرغم اینکه عده‌ای از فقهای متأخر عظام به این مهم توجه نموده و خمس و زکات را با سایر منابع مالی حکومت اسلامی تحت عنوان "مالیات‌های اسلامی" بررسی نموده‌اند، اما به اذعان سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان متولی اخذ مالیات کار کمی در این زمینه صورت گرفته است^۱.

مجموعه مقالات همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی، سازمان انتشارات دانشگاه مفید ۱۳۸۷ ص ۲۱

این پایان نامه سعی دارد با تطبیق فتاوی و احکام خمس و زکات با قوانین مالیاتی ایران گامی هر چند کوچک در تحقق هدف مذکور بردارد و در این راستا سعی بر آن شده است که از نظریات علمی و فقهی فقهای عظام متقدم و متأخر در خصوص خمس و زکات که در کتب فقهی خود بیان فرموده اند و همچنین رساله عملیه مراجع عظام معاصر که مرجع و منبع دسترسی آحاد مردم به احکام دین مبین اسلام است و به عبارتی کتاب قانون مدون شرع است ، استفاده شود و بی شک مراد از عنوان این پایان نامه که « تطبیق احکام با قوانین » است فتاوی و مسایلی است که در کتب مراجع عظام بیان شده است لذا سعی بر آن شد از توضیح المسائل مراجعی استفاده شود که دارای نظراتی متفاوت می باشند .

۱- سوالات تحقیق

این تحقیق تلاشی است برای پاسخ به سوالات زیر که امیدوارم در پایان به پاسخ رسیده باشد :

۱-۱ کدام منابع مالی در احکام شرعی و قانونی با هم منطبق هستند ؟

۲-۱ مقررات عمومی در احکام شرعی و قانونی چیست ؟

۳-۱ متولی تشخیص و وصول در احکام شرعی و قانونی کیست ؟

۲- فرضیه ها

- وجوب پرداخت مالیات همچون وجوب خمس و زکات می باشد .
- جهات اشتراک و افتراق خمس و زکات با مالیات
- تجمیع احکام خمس و زکات و قوانین مالیاتی تحت عنوان واحد و اخذ آن توسط یک مرجع امکان پذیر است .

۳- ابعاد مسئله

در این پایان نامه قوانین مالیاتی ایران با احکام شرع مقدس در مسائل مالی خمس و زکات از ابعاد مختلف و در تطبیق با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است که بصورت اجمالی عبارتند از :

۱-۳ تعریف لغوی و اصطلاحی مالیات، خمس و زکات

۲-۳ منابع مالی در شرع و قانون

۳-۳ مشمولین احکام مالی و قوانین مالیاتی و خمس و زکات

۴-۳ مقررات عمومی در احکام شرعی و قانونی

۵-۳ متولی تشخیص و وصول

۴- لغات و اصطلاحات

۴-۱- زکات:

زکات در لغت به معانی الف: زیاد شدن و پاک شدن و ب: رشد کردن کشتزار و محصولات آمده است^۱.

و در اصطلاح، صاحب جواهر می فرماید: در «المعتبر» و «التذکره» آمده است که زکات در شرع به نحو مجاز استعمال شده است برای حقی که در مال واجب شده و دارای نصاب می باشد و در «المسالك» و «الدروس» آمده است که زکات صدقه ای است که در اصل توسط شارع وضع گردیده است و در «کنز العرفان» آمده که زکات اصالتاً برای نصاب وضع شده است و صاحب «البيان» معتقد است که زکات قدر معینی است که در مال یا بر ذمه مقرر گردیده است برای پاکیزگی و طهارت و برکت^۲.

در اهمیت زکات احادیث فراوان است: امام صادق (علیه السلام) در اهمیت زکات می فرماید: «خداوند عالم در اموال ثروتمندان حقوقی را برای مستمندان واجب کرده است که موظف به اداء و پرداخت آن هستند و آن زکات است و اگر انجام بدهند انجام وظیفه کرده اند و به سبب همین زکات و پذیرفتن آن خونشان محفوظ می ماند و در صف مسلمین قرار می گیرند»^۳ و همچنین ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: «اگر کسی قیراطی از زکات را منع کند و از دادن زکات استنکاف نماید در موقع مرگ او را در صف مسلمین قبض روح نمی کنند و یا در صف یهودیان از دنیا می رود و یا در صف نصرانیان»^۴ دو آیه که در وجوب زکات مستند واقع شده عبارتند از ۱- آیه: «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها وصل علیهم ان صلاتک سکن لهم و الله سمیع علیم»^۵، «ای پیامبر اسلام، بر تو فرض و واجب است از مؤمنین مقداری از اموالشان را به عنوان صدقه و زکات بگیری تا بدین وسیله آنان را از پلیدی و حب دنیا تطهیر و پاکیزه کنی و برای آنان دعا کن زیرا دعای تو موجب تسلی خاطر آنان می شود و خداوند بر همه چیز شنوا و داناست». فعل «خذ» امر است و ظهور در دو وجوب دارد هم بر پیامبر اسلام به عنوان رهبر مسلمین امر است و هم بر

۱ لويس معلوف يسوعی، المنجد، المطبعة الكاثوليكیه، ۱۹۲۷، ص ۳۰۱

۲ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ داراحیاء التراث العربی، ج ۱۵ ص ۲

۳ محمد حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۶ ص ۱۸ حدیث ۲

۴ همان ج ۲ ص ۱۸ حدیث ۴

۵ توبه ۱۰۳

مؤمنین و قول مقدس اردبیلی در زبده البیان مبنی بر اینکه وجوب صرفاً متعلق به شخص پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) است و بر رهبر الهی شامل نمی شود از سیاق آیه بدور است.^۱

۲- آیه « و اقیموا الصلاة و اتوا الزکاة و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون »^۲ شیخ مفید می فرماید پس واجبی که بعد از وجوب نماز در قرآن - محکم التنزیل - ذکر شده همانا زکات است، پس ناگزیر باید آن را شناخت چرا که جهل به آن جهل به اصلی از اصول دین است و منکر آن کافر است و مقرر به آن مومن، به علت عمومیت ادله تکلیف.^۳

۴-۲-خمس:

خمس در لغت به معنی یک پنجم است^۴ و شیخ انصاری در « الخمس » می فرماید خمس از نظر لغت به معنی یک قسمت در مقابل چهار قسمت (رابع الکسور) از پنج قسمت می باشد^۵. و در اصطلاح صاحب جواهر می فرماید : خمس حق مالی است که خداوند ، مالک الملک ، واجب کرده اصالتاً بر بندگان در اموالشان برای خودش و بنی هاشم ، نه برای احتیاج آنها بلکه برای سپاس و بزرگداشت آنها . امام صادق (علیه السلام) در مرفوعه حسین بن محمد می فرماید : « هرکس گمان برد که امام (علیه السلام) محتاج است به آنچه در دستان مردم است ، همانا کافر شده است ، بلکه همانا مردم محتاج هستند تا امام (علیه السلام) از آنها بپذیرد چرا که خداوند تعالی فرمود صدقه را از اموالشان قبول کن تا بدینوسیله آنها را پاک نموده و برکت دهی »^۶

آیه و روایات وجوب خمس : ۱. آیه «واعلموا انما غنمتم من شی فان لله خمسه و للرسول و لذی القربی ...»^۷ ۲- روایات فراوان : علی ابن بابویه می فرماید که روایت شده است است که خداوند عزوجل مهر فاطمه (علیها السلام) را خمس دنیا قرار داده است و هرچه برای ایشان است برای فرزندان ایشان (علیهم السلام) است پس رحمت و متی است بر ما چرا که

۱ احمد بن محمد [مقدس اردبیلی] زبده البیان ، محمد باقر بهبودی ، مکتب المرتضویه ، تهران ، ص ۱۸۳

۲ نور ۵۶

۳ محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی [شیخ مفید] المقنعه ، موسسه نشر اسلامی ، قم ، ۱۴۱۰ق ، ص ۲۳۶

۴ المنجد ، ص ۱۹۵

۵ مرتضی انصاری ، الخمس ، چاپ باقری قم ۱۴۱۵ ، ص ۲۱

۶ جواهر الکلام ، ج ۱۶ ص ۲

۷ انفال ۴۱

خداوند مالک حقیقی بر نفوس و اموال و اشیاء است و آنچه در دست مردم است همه عاریه هست و آنها مالکین مجازی هستند نه حقیقی.^۱ محقق سبزواری در ذخیره المعاد می فرماید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند تعالی بر ما صدقه را حرام نمود و خمس را برای ما قرار داد پس صدقه بر ما حرام است و خمس فریضه و کرامت بر ما حلال است.^۲ در خصوص اینکه خمس به چه چیز تعلق می گیرد اکثر فقهاء عظام معتقدند که با توجه عمومیت عبارت «غنیمت» در آیه شریفه، خمس به هر فایده ای که به انسان می رسد تعلق می گیرد اما عده ای اکتساب را در آن شرط دانسته اند و عده ای قائل به تعلق خمس به هر نوع فایده و غنیمت چه با اکتساب و چه بدون اکتساب بوده اند.

۴-۳- مالیات:

مالیات در لغت و اصطلاح عبارتست از وجوهی که مأموران دولت برحسب قانون از صاحبان املاک، اراضی، مستغلات و غیره گیرند سهمی است که بموجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات هریک از سکنه کشور موظف است که از ثروت و درآمد خود بمنظور تأمین هزینه های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی کشور بقدر قدرت و توانایی خود به دولت بدهد.^۳ در اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است «هیچ نوع نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود.»

۵- پیشینه تحقیق

تا آنجا که بررسی شده تحقیقاتی که، چه در حوزه های علمیه و چه در دانشگاه ها، صورت پذیرفته است بیشتر بررسی هر یک از این عناوین به نحو مجزا و یا بررسی مجتمعاً آنها تحت عنوان هایی از قبیل مالیات های اسلامی می باشد و تحقیقی که بصورت تطبیق احکام عملی خمس و زکات با قوانین مالیاتی باشد، مشاهده نگردید بطور مثال کتاب «مالیات های اسلامی» نوشته آقای علی تهرانی انتشارات کتابفروشی جعفری چاپ ۱۳۵۴ بیشتر بررسی هریک از عناوین خمس، زکات، خراج و جزیه است و ارتباط آن منابع مالی دولت و یا پایان

۱ علی بن بابویه، فقه الرضا، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۶، ق، ص ۲۹۳

۲ محمد باقر سبزواری، ذخیره المعاد، موسسه آل البيت، قم، ج ۳ ص ۴۷۷

۳ محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ گنج دانش، ۱۳۷۲ ص ۶۰۱

نامه های دانشگاهی « بررسی فقهی و حقوقی مالیات حکومتی در اسلام » نوشته اعظم امینی دانشگاه قم ، « بررسی تطبیقی خمس ، زکات ، صدقه در فقه فریقین » نوشته هاشم اسکندری زاد دانشگاه پیام نور که بررسی احکام مالی در شرع مقدس می باشد .

۶- محدودیت ها و مشکلات

این تحقیق هرچند از حیث منابع ، خصوصاً منابع فقهی ، دارای محدودیت نبود اما با توجه به اینکه غیر از رساله های توضیح المسائل آیات عظام ، بقیه منابع به زبان عربی بود لذا در ترجمه و برگردان فارسی با توجه به اندوخته و توان سعی در حداکثر تطبیق گردید .

س - مسابح مالی



۱- منابع مالی غیر اکتسابی

قانونگذار در قانون مالیاتهای مستقیم منابع مالی را به دو بخش عمده الف - دارایی و ب - درآمد تقسیم نموده است و در بخش مالیات بر دارایی به بررسی مالیات بر ارث، وقف، حبس و نذر می پردازد در حالی که در کتب فقهی خصوصاً باب خمس منابع مالی عمدتاً به دو بخش الف- اکتسابی و ب- غیر اکتسابی تقسیم بندی شده است که این تقسیم بندی با توجه به نوع درآمد به واقعیت بسیار نزدیک تر است تا تقسیم بندی که در قانون مالیاتهای مستقیم شده هرچند در بخش مالیات بردرآمد اتفاقی نیز مجدداً به درآمدهای غیر اکتسابی از قبیل صلح غیر معوض و هبه و جایزه و معاملات محاباتی اشاره شده است.

۱-۱- ارث

اولین و مهمترین منبع مالی غیر اکتسابی ارث می باشد ، متعلق مالیات بر ارث، طبق آنچه ماده ۱۷ بیان می دارد ، اموالی است که از متوفی باقی مانده باشد حال چنانچه این اموال داخل ایران باشد چه مورث ایرانی باشد یا خارجی مشمول مالیات بر ارث است و اگر چنانچه اموال خارج از ایران باشد متوفی یا وارث یا هر دو می باید مقیم ایران باشند یا ایرانی مقیم خارج باشند.

«ماده ۱۷- هر گاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند به شرح زیر مشمول مالیات است:

۱- در صورتی که متوفی یا وراث یا هر دو ایرانی مقیم ایران باشند نسبت به سهم الارث هر یک از وراث از اموال مشمول مالیات بر ارث موضوع ماده ۱۹ این قانون واقع در ایران یا در خارج از ایران پس از کسر مالیات بر ارثی که بابت آن قسمت از اموال واقع در خارج از ایران به دولت محلی که مال در آن واقع گردیده پرداخت شده است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون.

۲- در صورتی که متوفی و وراث هر دو ایرانی مقیم خارج از ایران باشند سهم الارث هر یک از وراث از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون و نسبت به آن قسمت که در خارج از ایران وجود دارد پس از کسر مالیات بر ارثی که از آن بابت به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است به نرخ بیست و پنج درصد.

۳- در مورد اتباع خارجی و سایر موارد نسبت به آن قسمت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است کلاً مشمول مالیات به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون برای وراثت طبقه دوم»^۱

همچنین ماده ۱۹ اموال مشمول مالیات را بدین صورت تعریف می نماید «ماده ۱۹- اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت است از کلیه ماترک متوفی واقع در ایران یا خارج از ایران اعم از منقول و غیرمنقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی»^۲

از بعد روایی در صحیح طولانی علی بن مهزیار است که راوی گوید: امام جواد(علیه السلام) به علی بن مهزیار نوشت: «اما غنیمتها و بهره ها خمس آنها در هر سال بر شیعیان واجب است، خداوند - متعال - می فرماید: واعلموا انما غنمتم من شئ فان لله خمس - بدانید هر گونه غنیمتی که نصیب شما می شود یک پنجم آن از آن خداست. پس غنیمتها و بهره ها - خدا رحمت کند - آن غنیمتی است که انسان بر آن دست پیدا کند و فایده ای است که انسان به دست می آورد، و جایزه ای است که دارای قدر و منزلت است و انسانی برای انسان دیگر می آورد، و میراثی است که از غیر پدر و پسر از راه بی گمان به کسی رسد، و مثل اموال دشمنی که ریشه کن گردیده و اموال او تصرف شده است، و مانند مالی که پیدا شده ولی صاحب آن شناخته شده نیست، و آنچه که گروهی از شیعیان از اموال لشگریان فاسق بابک خرم دین به دست آورده اند. و من دانستم که اموال زیادی از این گروه فاسق به دست گروهی از شیعیان رسیده است، هر کس در پیش او چیزی از آنچه که گفتم وجود دارد باید آن را به وکیل اینجانب برساند، و کسانی که در مکانهای دور هستند باید درصدد باشند برای رساندن آن به اینجا، گرچه بعد از مدت زمانی باشد»^۳

همچنین در صحیح علی بن مهزیار از امام جواد(علیه السلام) است که حضرت - بعد از حکم به وجوب خمس در غنیمتها و اموالی که به دست می آید (فوائد) - چنین فرمودند: «پس غنیمتها و اموالی که به دست می آید (فوائد) - خدا رحمت کند - آن است که انسان چیزی را به غنیمت دارا شود و فائده بهره ای است که به دست آورده باشد، و جایزه ای که

۱ قانون مالیات های مستقیم، انتشارات مجد، ۱۳۸۱، ص ۱۷

۲ همان ص ۱۹

۳ وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۳۴۹، باب ۸ من ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۵

دارای قدر و منزلت است و دیگری به انسان دهد، و ارث - غیر پدر و پسر - که گمان رسیدن آن برده نمی شد، و مثل اموال دشمنی که ریشه کن گردیده است، و مثل مالی که پیدا شده ولی صاحب آن شناخته شده نیست.^۱

و در بعد فقهی ارث، ابوصلاح الحلبي خمس در مازاد از موونه سال آنچه از میراث بدست می آید را واجب دانسته است.^۲ محقق حلی نیز میراث را مشمول خمس دانسته است بدلیل عمومیت آیه خمس و می فرماید غنیمت اسم است برای فایده و همچنانکه بر غنیمت جنگی حمل می شود بر هر نوع فائده دیگر نیز حمل می شود.^۳

ابن ادریس می فرماید در میراث و هدیه و هبه خمس است و این قول را ابوالصلاح الحلبي در کتاب الکافی نقل کرده است و هیچ یک از اصحاب ما این نظر را نگفته اند غیر از نامبرده، پس اگر این گفته صحیح بود باید به نحو متواتر نقل می شد در حالی که نقل نشده و نیز اصل بر براءت ذمه است پس بدون دلیل نمی توان ذمه را مشغول کرد و چیزی بر آن نهاد همچنانکه خداوند متعال (سوره محمد آیه ۳۶) می فرماید «و لایسئلكم اموالکم»^۴ و شهید اول در لمعه می فرماید ابوصلاح خمس در میراث و صدقه و هبه را واجب دانسته است اما ابن ادریس و علامه با آن مخالفت کرده اند چرا که با اصل براءت ذمه مخالف است و در سبب ایجاد آن شک است هرچند قول اول (ابوصلاح) بهتر است.^۵

صاحب جواهر می فرماید: هرچند بعضی عبارات و اخبار مانند خبر اشعری، موثقه سماعه، مکاتبه یزید و خبر سرائر و صحیح ابن مهزیار به تعلق خمس به هبه و هدیه و جوایز و موارد اشاره دارد اما آنچه در فتاوی اصحاب ظاهر است عدم تعلق خمس است البته مخفی نماند که از جهت ادله، نظریه تعلق خمس قوت دارد و شهید اول در لمعه بدان مایل شده است چرا که شبیه به غنیمت است.^۶

شیخ انصاری می فرماید آنچه از کلام و فتاوی فقهاء و علماء ما فهمیده می شود این است که تکسب را عده ای به استفاده بردن مشروط کرده اند و عده ای آن را به اکتساب (تلاش در بدست آوردن) مشروط کرده اند و ظاهراً هر دو گروه قصد را در آن شرط دانسته

۱ وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۴۰، باب ۸ من ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۵

۲ ابی صلاح حلبي، الکافی فی الفقه، مکتبه امیر المؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۳ ق. ص ۱۷۰

۳ ابولقاسم جعفر بن حسن [محقق حلی] المعبر فی شرح المختصر، مدرسه امیر المؤمنین، قم، ۱۳۶۴ ش. ج ۲ ص ۶۲۳

۴ ابن ادریس حلی، السرائر، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق. ج ۱ ص ۴۹۰

۵ زین الدین بن علی عاملی [شهید ثانی] الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۶

۶ جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۵۶

اند و ظاهراً نظر گروه اول اعم است نسبت به نظر گروه دوم، البته در بعضی از عبارتها استفاده و کسب به آنچه که به غیر قصد کسب شده نیز اطلاق می شود، مانند عبارت اسکافی در خصوص ارث و صلّه و یا عبارتی که در «المدارک» و «الذخیره» آمده و میراث و صدقه و هبه را از انواع تکسب استثناء کرده اند. البته ممکن است شمول خمس بر ارث را از تمسک به «آیه خمس» بدست آورد چرا که غنیمت به معنی مطلق فائده هست هرچند از راه غیر تکسب بدست آید و چنانکه بعضی از روایات مبین این مسئله هستند و میراث را جزء غنائم ذکر کرده اند.^۱

طبق فتوای فقهای عظام متاخر نیز ارث خمس ندارد، آیه الله گلپایگانی می فرماید تعلق خمس به هر فائده ای خالی از قوت نیست مانند هدایا و هبه و میراث کسی که گمان نمی رفت بلکه احتیاط تعلق خمس به میراث و مهر و عوض خلع است هرچند عدم تعلق به این سه تای آخری قوی تر از تعلق است.^۲

مرحوم همدانی در "مصباح الفقیه" می فرماید: سزاوار نیست شک شود که در زمان پیامبر(ص) (خمس هدیه و جایزه و ارث) بین مسلمین متعارف نبوده و همچنین در زمان هیچ یک از ائمه بین شیعه متعارف نبوده؛ زیرا در غیر این صورت باید مخفی ماندن چنین حکمی یعنی وجوب خمس ارثها و همچنین هدیه ها با اینکه عموم مردم به آن مبتلا هستند حتی بر زنان و کودکان از مسلمانان به طور عادی ممتنع باشد چه رسد به اینکه چنین حکمی مورد اختلاف واقع شود یا حتی نبودن خمس در اینها اگر مورد اجماع نباشد مشهور بین فقهاء گردد، پس اینکه در مثل چنین حکمی اختلاف واقع شده نشانه ای است قطعی بر نبودن آن در زمان ائمه (ع) بلکه در زمان غیبت صغری؛ زیرا اگر چنین حکمی شناخته شده بود عادت چنین حکم می نمود که از ضروریات دین شود، اگر در زمان پیامبر(ص) شناخته شده بود؛ یا از ضروریات مذهب شیعه گردد اگر در زمان ائمه (ع) چنین حکمی شناخته شده بود. وقتی غنیمت صدق می کند که مالها تغییر کرده یا نقل و انتقال پیدا کنند، و حال آنکه در ارث آنچه که تغییر پیدا می کند مالکها هستند نه اموال، در واقع که اموال و زمینها به حال خود و در جایشان باقی اند و این صاحبان آن هستند که برحسب اقتضای نظام تکوین تغییر می کنند؛ فتأمل.^۳

۱ کتاب الخمس انصاری ص ۷۲

۲ محمد رضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، دارالقرآن الکریم، قم ۱۴۱۳ ق. ج ۱ ص ۳۲۳

۳ رضا همدانی، مصباح الفقیه، مکتب صدر قم ص ۱۲۹